

## **Political Discourses and Their Role in the Participation and Republican People**

**Bahram Sattari D.\* , Ahmad Bakhshayeshi\*\*  
Abdolhosein Allahkaram\*\*\***

### **Abstract**

Abstract Numerous and political discourses in the Islamic Republic, including nationalists, Hezbollah, Imami, school, mission, left and right, pure Muhammadan Islam and American Islam, fundamentalist and reformist play an important role in the political and social developments of the country. One of its effects is the political participation of the people in various arenas. And by taking advantage of the participation of the people in the political geography of the country, they sought the hegemony of their discourse. The main sign of these alignments was the contrast "commitment sign (school) - sign of expertise (expert)". Which appeared in different forms in the political sphere of the country and lined up with different signs. The mentioned discourses were recruited based on slogans tailored to the needs of the people in the political geography of Iran, and this recruiting played a role in the political development and the republic of the system.

Now the question is, what effect did these discourses have on the republic and the political participation of the Iranian people, and how does it lead to the expansion

\* Preceptor of Political Science, majoring in Iran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, (Corresponding Author), b.sattari11@yahoo.com

\*\* Professor of International Relations, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, ahmad.bakhshl0912@gmail.com

\*\*\* Assistant Professor of International Relations, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, abd.allahkaram@iauctb.ac.ir

Date received: 21/05/2019, Date of acceptance: 24/10/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

of political participation? The hypothesis of the article is that the political aspect of the Islamic Republic system due to the use of different motivations of the people in accordance with each situation of the political geography of Islamic Iran in a period of time causes their positive participation in different areas of decision making, especially elections. In this article, an attempt has been made to show the correctness of the hypothesis by using a qualitative method of discourse analysis on the function of various discourses and their intellectual foundations, by freely using and reproducing theoretically compatible theoretical systems.

**Keywords:** Discourse, Islamists, Sacred Defense, Construction, Reformist, Principle.

## گفتمان‌های سیاسی و نقش آن‌ها در مشارکت و جمهوریت مردم

بهرام ستاری دستنائی\*

احمد بخشایشی اردستانی\*\*، عبدالحسین الله کرم\*\*\*

### چکیده

گفتمان‌های متعدد و سیاسی موجود در نظام جمهوری اسلامی که عبارتند از ملی‌گرایان، حزب الله، خط امامی، مکتبی، رسالتی، چپ و راست، اسلام ناب محمدی و اسلام امریکایی، اصول‌گرا و اصلاح طلب نقش مهمی در تحولات سیاسی، اجتماعی کشور داشته‌اند که یکی از تأثیرات آن مشارکت سیاسی مردم در صحنه‌های مختلف می‌باشد. و با بهره‌گیری از مشارکت مردم در جغرافیای سیاسی کشور به دنبال هژمونی گفتمان خود بودند. اصلی‌ترین دال این صف‌بندی‌ها تقابل «دال تعهد (مکتبی) - دال تخصص (متخصص)» بود. که در قالب‌های مختلفی در سپهر سیاسی کشور ظهور و با دال‌های متفاوت صف‌بندی کردند. گفتمان‌های مذکور با تکیه بر شعارهای متناسب با نیاز مردم در جغرافیای سیاسی ایران به یارگیری پرداختند و این یارگیری در توسعه سیاسی و جمهوریت نظام نقش ایفا کرد.

حال این سوال مطرح است این گفتمان‌ها چه تأثیری در جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم ایران گذاشتند و چگونه به گسترش مشارکت سیاسی منجر می‌شود؟ فرضیه مقاله این است که وجه سیاسی نظام جمهوری اسلامی به دلیل کاربرد انگیزه‌های متفاوت مردم

\* مربی علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ایران  
(نویسنده مسئول)، b.sattari11@yahoo.com

\*\* استاد تمام روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی،  
ahmad.bakhsh10912@gmail.com

\*\*\* استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی،  
abd.allahkaram@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

متناسب با هر موقعیت جغرافیای سیاسی ایران اسلامی در برهه زمانی باعث مشارکت مثبت آن‌ها در عرصه های متفاوت تصمیم گیری کشور خصوصا انتخابات می شود. سعی شده است در این مقاله با روش کیفی تحلیل گفتمانی به کارکرد گفتمان های متعدد و مبانی فکری آنها، با بهره گیری آزادانه و باز تولید سازوار نظری نحوه تاثیر گذاری گفتمان‌ها به‌طور عام در جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم درستی فرضیه نشان داده شود.

**کلیدواژه‌ها:** گفتمان، دفاع مقدس، سازندگی، اصلاح طلب، اصول گرا، جمهوریت و مشارکت.

## ۱. مقدمه

با شکل گیری جمهوری اسلامی، فضای سیاسی، اجتماعی کشور مدتها تحت تأثیر گفتمان «انقلاب - ضدانقلاب» قرار داشت. همه هستی و موجودیت انقلاب و به عبارت دیگر، بود و نبود آن در گرو بسیج همه‌جانبه ملت برای حفظ نظام و پاسداشت دستاوردهای انقلاب بود. همزمان به دلیل عملکرد نامطلوب دولت موقت، که عمدتاً «اعضای بلندپایه جبهه ملی و نهضت آزادی» بودند صف‌بندی در برابر انقلاب تحت عنوان گفتمان «خط امام - ملی‌گرا» شکل گرفت. لذا همه نیروهای انقلاب در برابر جریان ملی‌گرا، که شامل ائتلافی از رئیس‌جمهور وقت (بنی‌صدر) و دولت موقت مستعفی (بازرگان) و سایر لایه‌های پیرامونی ملی‌گرا بودند، صف‌بندی کردند. اصلی‌ترین دلیل این صف‌بندی تقابل «دال تعهد - دال تخصص» یا «دال مکتبی - دال متخصص» بود. شعار ملی‌گرایان آن بود که اداره امور کشور باید بر عهده متخصصان باشد و بدین بهانه عملاً نه تنها راه ورود نیروهای انقلاب را به سیستم مدیریتی کشور مسدود کردند، بلکه نیروهای باقی‌مانده رژیم گذشته را نیز به بهانه استفاده از دانش و تخصص آنها حفظ نمودند و به نوعی همگرایی و گرایشهای خود را نیز به سمت غرب نمایان کردند.

باتوجه به شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، که دال راهبردی ملت ایران بود و به معنای نپذیرفتن سلطه بیگانگان تلقی میشد. تسخیر سفارت سابق امریکا در ایران و افشای اسناد و مدارکی دال بر وابستگی فکری ملی‌گرایان به بیگانگان و حمایت امام خمینی (ره) از اقدام دانشجویان و نام نهادن آن به «انقلاب دوم»، تیر خلاصی بر پیکره نحیف و نیمه‌جان ملی‌گرایی زده شد. بدین‌سان تقابل این دو گفتمان (مکتبی، انقلابی یا

خط امام، ملی‌گرایی لیبرالی) که برای سالیان اول انقلاب فضای ایران را تحت‌الشعاع خود قرار داد، تبدیل به گفتمان‌های سیاسی بعد از آن تحت عنوان حزب الله، خط امامی، مکتبی، رسالتی، سپس گفتمان‌های موسوم به چپ و راست و... شدند.

در ادامه این روند در قالب گفتمان اسلام ناب محمدی و اسلام امریکایی، اصول‌گرا و اصلاح طلب صف بندی کردند. هر کدام از گفتمان‌های موسوم به چپ و راست، اصول‌گرا و اصلاح طلب با طیف سستی و مدرن و در درون خود نیز با جبهه بندی‌های مختلف همراه تلاش نمودند با نفوذ در عرصه سیاسی، اجتماعی، به یاری‌گیری بپردازند و بتوانند با شعارها و دال‌های گفتمانی خود ضمن حفظ هژمونی و برتری گفتمان خود بر جمهوریت و مشارکت سیاسی در جغرافیای کشور متناسب با هنجارهای مقبول مردم تاثیر بگذارند که این تاثیر باعث حضور حداکثری در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و انتخاباتی تبلور یافت.

مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین دال توسعه سیاسی، همه گفتمان‌ها در برگیرنده ابعاد و وجوه فراوانی است که می‌تواند نظام‌های سیاسی را در فرآیند دستیابی به یک وضعیت مطلوب به لحاظ نزدیکی به دموکراسی یاری رساند. در این راستا مشارکت سیاسی به عنوان یک متغیر وابسته یا دال مرکزی، همواره از عواملی چند تأثیر و تأثر پذیرفته است. نوع ساخت نظام سیاسی، وجود گفتمان‌های متعدد، وجود مردم کشور و هویت‌های متعدد در داخل جغرافیای سیاسی، مسائل اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی گوناگون از جمله دال‌هایی هستند که در افزایش یا کاهش سطح مشارکت شهروندان تأثیر بسزایی دارند. تبیین ابعاد نظری مشارکت سیاسی و فرایندهای آن، جایگاه مردم را در مبارزات انتخاباتی به عنوان بارزترین جلوه مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. دال محوری گفتمان‌ها و رویکردهای مختلف آنها نسبت به مشارکت سیاسی مردم در جامعه سیاسی ایران، مورد توجه قرار گیرد. علت تأثیر وجهه تمایز بخشی در تقلیل یا کثرت مشارکت سیاسی مردم، بر اساس دال احساس خودباوری یا عدم احساس خودباوری، دال عدم تأثیر در تصمیم‌گیری‌های محلی یا تأثیر گذاری در تصمیمات محلی، دال نظارت ملی و عدم دخالت در اجرائیات، دال عدم اطمینان به دولت مردان یا اطمینان به دولت مردان، دال احساس عدم برابری در مقابل قانون یا احساس برابری در برابر قانون و... سنجیده می‌شود. بنابراین گفتمان‌های موجود به عنوان واسطه، این نقش‌ها را بر عهد می‌گیرند و در اطمینان بخشی به نظام حرکت می‌کنند.

نظام جمهوری اسلام درگذر زمان و دهه های گذشته نشان داده است که در بسیاری از مفاهیم و واژگان ها از زمان خود جلوتر بوده و بر تحولات داخلی و همچنین خارجی نیز اثر مضاعف گذاشته است. یکی از این مفاهیم در عرصه سیاسی کشور، گفتمان سازی است که در پرتو جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم در جغرافیای کشور شکل گرفت که موضوع این مقاله نیز می باشد. با این مقدمه، سوال اصلی عبارت است از گفتمان های سیاسی نظام جمهوری اسلامی چه تاثیری در جمهوریت و مشارکت سیاسی در جغرافیای ایران گذاشتند و چگونه به گسترش مشارکت سیاسی منجر می شود؟ فرضیه مقاله این است که به نظر می رسد گفتمان های سیاسی نظام جمهوری اسلامی به دلیل کاربرد انگیزهای متفاوت مردم و متناسب با هر انگیزه باعث مشارکت مثبت آنها در عرصه های متفاوت تصمیم گیری کشور خصوصا انتخابات می شود. به همین منظور در این مقاله، ابتدا به بررسی مفهوم گفتمان ها و مبانی فکری آنها پرداخته می شود. سپس دال های اصلی مشارکت سیاسی مردم در عرصه های سیاسی و تصمیم گیری از نگاه آن گفتمان بررسی و نشان داده می شود که این دال ها در راستای گسترش مشارکت سیاسی مثبت است و در نهایت نتایج گرفته شده ارائه می شود

## ۲. چهارچوب مفهومی گفتمان و جایگاه آن

گفتمان به چهارچوب و استخوان بندی نظری و فکری هر مکتب و تفکر گفته می شود که اعمال پیروان آن را سازمان دهی و هدایت میکند. برای مثال، صورت بندی گفتمانی انقلاب اسلامی را می توان متشکل از گزاره های کلی و احکامی نظیر دال های «اسلام همه اش سیاسی است»، «حکومت، فلسفه عملی فقه است»، «سیاست ما عین دیانت ماست» «مشارکت سیاسی مردم باعث مقبولیت نظام خواهد بود» و مانند آن دانست. جوهره ی اصلی گفتمان انقلاب اسلامی را باید در نوع نگاه و برداشت از روابط حاکم بر تعاملات انسانی در قالب روابط فرد با سایر افراد، فرد با جامعه و افراد و کشورها در عرصه ی بین الملل جستجو نمود. دال های خدامحوری و دین مداری، عدالت طلبی، مردم داری، نفی هر گونه سلطه گری و سلطه پذیری مفاهیم اساسی این گفتمان را تشکیل می دهند. امام (ره) از آغاز نهضت تا پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن همچنان با تأکید بر این گفتمان،

آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران را به شکل بالنده به پیش بردند. و در ادامه این مسیر بالنده توسط مقام معظم رهبری در چارچوب مفهومی همین گفتمان مورد تأیید قرار گرفت. مولفه های مقام معظم رهبری (هیات دولت (۱۳۸۷/۰۲/۰۶) و دال های گفتمان انقلاب و امام به طور خلاصه عبارتند از دال های: عدالت خواهی و استکبارستیزی، اعاده‌ی عزت ملی و ترک انفعال در مقابل سلطه و تجاوز و زیاده‌طلبی سیاستهای دیگران و ترک شرمندگی در مقابل غرب و غریزدگی، جرات در ایجاد تحول، جرات در مقابله با فساد، روحیه تهاجم در مقابله با زورگویان بین المللی. اما در این میان به نظر می رسد که بهترین تعبیری که از گفتمان اصلی انقلاب اسلامی می توان نمود گفتمان عدالت محوری می باشد که عصاره تمامی موارد ذکر شده است مقام معظم رهبری در این زمینه می فرمایند:

گفتمان عدالت و دقائق نظری آن به دلیل جامعیت و فراگیری و تأکید بر توزیع متناسب و عادلانه‌ی ثروت، قدرت و منزلت و ریشه داشتن در متون دینی و اصالت داشتن در رفتار پیشوایان شیعی، خصوصاً حضرت علی (ع)، یکتا راهبرد کارآمدی نظام اسلامی و اساس مشروعیت آن به‌شمار می‌آید گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است - همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. (بیانات معظم له در دیدار جمعی از دانشجویان، (۱۳۸۳/۱۰/۰۸)

که جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم بستگی به اجرایی شدن همین دال هاست. محورگفتمان های نظام سیاسی جمهوری اسلامی (موارد فوق) برگرفته از مبانی گفتمان امام و رهبری می باشد که نتیجه آن منجر به تقویت مردم سالاری دینی و مشارکت مردم جغرافیای سیاسی ایران جهت حفظ این دستاوردها و گفتمان می شود. ، توجه به آموزه‌های دینی و پرهیز از بکارگیری نسخه های غرب در اداره کشور و احیای گفتمان اصیل اسلامی و ترویج ادبیات سیاسی حضرت امام (ره) بوده است. به ویژه توجه به دال هایی چون عدالتخواهی، توجه به محرومین و مستضعفین، احیای شعارهای اصیل انقلاب چون: معنویت، آزادی، استقلال، مهدویت و مقابله با هر نوع انفعال و خود باختگی در مواجهه با قدرت‌های زورگو و ...، گام‌های بزرگ در جهت احیای شعارهای انقلاب روح حاکم بر شعارها، سیاست‌ها و گفتمان‌های حاکم بر جامعه اسلامی استوار باشد. (مقام معظم رهبری (۱۳۸۷/۶/۲)

تحلیل مفهومی گفتمان یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار، کارکرد و فرآیندهای تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. این گرایش به دلیل بین رشته‌ای بودن خیلی زود به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال واقع شد. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷) تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی رشد و به همت متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا، لاکلائو و موفه، فان دایک، فرکلاف و دیگر متفکران، وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت در قالب تحلیل مفهومی، انتقادی گفتمان بسط و گسترش یافت. تحلیل گفتمان گرایشی تحقیقی است و سعی دارد با مطالعه اثرات ظاهری گفتار، ساختار تولید و زمینه وقوع متن یا گفتار یعنی عوامل بیرون از متن (بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره) به تحلیلی دست پیدا کند که رابطه بین تشکیل ایدئولوژی و تشکیل گفتار و تاثیرات آنرا بر ساختار و کارگزار، آشکار سازد.

یکی از رویکردهای دهه‌های اخیر که به دلیل داشتن ماهیت میان رشته‌ای توانسته در زمانی اندک رشد گسترده‌ای در عرصه سیاسی و تحلیل روخداهای سیاسی داشته باشد، تحلیل گفتمان به خصوص خوانش لاکلاو و موفه است که از راه باز خوانی و ساختار شکنی نظریه‌های متفکرانی مانند گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا و سوسور، نظریه گفتمان خود را شکل دادند. تحلیل گفتمان خوانش لاکلاو و موفه به طور خاص، به دلیل توانایی در توضیح روند شکل‌گیری گفتمانهای انقلاب اسلامی نسبت به روش‌های دیگر از امتیاز بیشتری برخوردار است به همین دلیل در تبیین و تفسیر گفتمان‌های جمهوری اسلامی و نقش آنها در مشارکت سیاسی اجتماعی مردم در جغرافیای سیاسی ایران در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است.

گفتار شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن یا فهم یکی از وجوه آن است. کلیت و فرآورده عمل مفصل بندی را «گفتمان» می‌گویند، چنان که گفتمان اصلاح طلب مفاهیمی چون جمهوریت، تجدید و مدرنیسم، قانون و گفتمان اصول‌گرا



مفاهیمی چون اسلامیت، ارزش‌ها، سنت و ولایت فقیه را با هم مفصل بندی می‌کند و گفتمان خود را حول محور مفصل بندی مذکور تشکیل می‌دهند. گفتمان کلیت ساختاردهی شده حاصل از عمل مفصل بندی است. گفتمان‌ها مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که به شیوه‌ای معنادار با هم مرتبط شده‌اند. در واقع گفتمان‌ها صورت بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیاء، افراد و... هستند که پیرامون یک نقطه کانونی تثبیت شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها به دست می‌آورند. گفتمان‌ها، تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند. بنابراین معنا و مفهوم انسان از واقعیت همواره گفتمانی است (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۹) کلیت ساختمان حاصل از عمل مفصل بندی را گفتمان می‌نامیم. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷۶) بقیه گفتمان‌ها نیز متناسب با شرایط و زمان از مفاهیم دیگر استفاده کردند

از این رو، ویژگی منحصر به فرد تحلیل گفتمان از منظر فوکو آن است که ماهیت امور مورد بررسی از پیش تعیین نمی‌شود؛ بلکه توأم با همان صورت بندی‌های گفتمانی‌ها به عرصه حیات می‌گذارد که امکان گفت‌وگو درباره آنها را فراهم آورده‌اند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶) فیلیپس و یورگنسن در یک تعریف مقدماتی گفتمان را شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن یا یکی از وجوه آن معرفی می‌کنند. (فیلیپس، یورگنسن، ۱۳۸۹: ۱۸) دغدغه اصلی در نظریه گفتمان آن است که مردم در جوامع چه درک و شناختی درباره خود دارند؟ به عبارت دیگر تعریف مردم در جوامع گوناگون از خودشان چیست؟ به تبع این تعریف و شناخت الگوی رفتاری آنها کدام است؟ (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۲۰۷) دیوید هوارث یکسان‌انگاری گفتمان و ایدئولوژی را رد می‌کند، چراکه ایدئولوژی مفهوم سستی خود همان عقایدی است که عاملان اجتماعی اعمال خود را با آن توجیه می‌کنند. اما گفتمان وسیع‌تر از آن و شامل همه صور حیات اجتماعی، سیاسی، نهادها و سازمان‌ها می‌شود. (هوارث، ۱۳۷۷: ۲۰، ۱۵۵) در واقع مفهوم گفتمان جایگزین مفاهیم ایدئولوژی در مارکسیسم و زبان در نظریه‌های پسا مدرن شده است. از دیدگاه لاکلا و موفه گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد. این ساختن از طریق زبان که ماهیتی بی‌ثبات دارد انجام می‌شود. زبان، هم در ایجاد واقعیت و هم در بازنمایی آن نقش اساسی دارد. دسترسی به واقعیت تنها از طریق زبان ممکن است و هیچ واقعیت پیشینی و از قبل تعیین شده‌ای وجود ندارد. تغییر در گفتمان‌ها سبب تغییر در کل نظام اجتماعی می‌شود. از این روی، نزاع

گفتمانی به ایجاد، تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود. (حسینی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۸، ۱۸۲) با این همه، به نظرمی رسد ارتباط گفتمان با واقعیت ارتباطی دیالکتیک باشد چراکه الزامات و اقتضائات تاریخی و اجتماعی و فرهنگی نیز می‌توانند نوع خاصی از گفتمان را مطالبه و آن را حاکم کنند. پیامد هژمونی شدن یک گفتمان به معنای برجسته شدن نظام معنایی خود و به حاشیه راندن نظام‌های معنایی سایر رقبا است. به اعتقاد لاکلا و موفه مفاهیم در درون گفتمان‌های متضاد بارمعنایی می‌یابند و نه در درون یک زبان عام و مشترک (دائل، ۱۳۸۰: ۱۲۵) از این رو، هر عمل یا پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی شود و در چارچوب گفتمان خاصی قرار گیرد. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۶) لاکلا و موفه تمایز گفتمانی و غیرگفتمانی را که، در نظریه فوکو و بسیاری از اندیشوران دیگر وجود دارد، مردود می‌شمارد و بر گفتمانی بودن تمام حوزه‌های اجتماعی تأکید می‌کند. بنابراین، تحلیل گفتمانی لاکلا با مجموعه وسیعی از داده‌های زبانی و غیر زبانی به مثابه متن برخورد می‌کند. در نتیجه می‌توان در یک تعریف مختار، گفتمان را چنین تعریف کرد: گفتمان امکان مفصل بندی و چینش ذهنی حول یک نشانه و دال و تشکیل نظام معنایی و تثبیت و هژمونیک کردن آن با ایجاد یک اجماع و اقناع عرفی موقت است. در ادامه گفتمان‌های درون نظام تبیین خواهند شد.

## ۱.۲ گفتمان لیبرال و مبانی فکری و نقش آن در مشارکت مردم

گفتمان ملی‌گرایی لیبرال، برآمد از تحولات سیاسی اجتماعی اواخر دهه بیست به عنوان گفتمانی ناسیونالیستی در کشاکش تعارضات اجتماعی در مقابل نیروهای استعماری ظهور یافت و مبین رشد و آگاهی در برابر نفوذ بیگانگان در شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بود (نظری و سازمند، ۱۳۸۷: ۸۶) اندیشه ملی‌گرایی نهضت در دال ملی کردن صنعت نفت، به جنبش اجتماعی و سیاسی گسترده علیه استعمار بیرونی و استبداد درونی تبدیل شد. این گفتمان توانست از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به عنوان گفتمانی چیره در عرصه سیاسی فعال باشد و مردم را در عرصه‌ای با خود همراه کند. جبهه ملی و نهضت آزادی از گروه‌های برجسته گفتمان ملی‌گرا - لیبرال محسوب می‌شدند که با دارا بودن مشی ملی لیبرال به رویارویی با حکومت پهلوی پرداختند. این جبهه متشکل از گروه‌ها و احزاب گوناگونی مانند حزب ایران، حزب ملیت ایران، جمعیت آزادی مردم ایران، حزب

استقلال و مجمع مسلمان مجاهد بود. در آبان ۱۳۲۸ اعلام موجودیت کرد و اوج آن نخست‌وزیری مصدق و ملی کردن صنعت نفت بود که توان قدرت را به سود ملی‌گرایان تغییر داد. دوران نخست‌وزیری مصدق با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بود که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۳، هم عمر نخست‌وزیری مصدق و هم عمر جبهه ملی (اول) پایان یافت. اهداف مشترک جبهه ملی بردالهای برگزاری انتخابات آزاد، آزادی مطبوعات، لغو حکومت نظامی و استقلال و ملی کردن نفت و کوتا کردن دست استعمارگران استوار بود. و با این دال‌ها سعی در تقویت مشارکت سیاسی مردم در عرصه‌های مختلف می‌نمود.

پس از قیام ۱۵ خرداد، موضع خشن حکومت سبب ایجاد دوگانگی درون جبهه ملی شد. بعضی از گروه‌ها مانند نهضت ملی و جامعه سوسیالیست‌ها، خواهان جنگ ایدئولوژیکی علیه حکومت و برخی دیگر مانند حزب ایران، به کنار گذاشتن مباحث ایدئولوژیکی و تأکید بر مواردی همچون آزادی مطبوعات معتقد بودند. جبهه ملی با رویه اصلاح‌گرایانه به مبارزه در نظام و نه بر نظام، پرداخت و در آستانه چاره‌ای جز قرار گرفتن کنار صف انقلابیون نداشتند. نهضت آزادی از مهمترین احزابی بود که در دهه چهل از سوی نیروهای مذهبی مانند مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی (که از نیروهای عضو جبهه ملی و دارای گرایش‌های مذهبی بود) و آیت الله طالقانی (که از نهضت مقاومت ملی جدا شد بود) تشکیل شد. این نهضت با انتقاد از دال‌های همه‌پرسی انقلاب سفید، حمایت از امام (ره)، محکوم کردن سرکوب قیام ۱۵ خرداد و اتخاذ موضع تند علیه حکومت، عملاً صف خود را از نیروهای لیبرال غیرمذهبی جدا کرد.

رهبری این طیف در ابتدای پیروزی انقلاب عهده‌دار حکومت موقت شده بود. گرچه حضرت امام تأکید داشتند این دولت غیرحزبی باشد اما چینش کابینه مهندس بازرگان به نحوی رقم خورد که اکثریت قریب به اتفاق آنان را اعضای نهضت آزادی و نیروهای جبهه ملی یا همان لیبرال‌ها تشکیل می‌دادند. در نهایتاً بعد از اشغال سفارت آمریکا در سیزده آبان ۱۳۵۸، به علت اختلاف نظر بر سر تشکیل حکومت، سیاست خارجی و داخلی، با استعفای بازرگان و کابینه اش، لیبرال‌ها کلاً از صحنه رقابت سیاسی حذف شدند. بعد از آن سنت گراها، یعنی حزب جمهوری اسلامی، قدرت را به دست گرفتند و در پی برکناری بنی‌صدر در سال ۱۳۶۰ ریاست جمهوری نیز به دست این حزب افتاد. پس از آن ضدیت

گروه‌های اسلام‌گرا با لیبرالیسم شدت بی سابقه‌ای پیدا کرد رهبرانقلاب جبهه‌ی ملی و نهضت آزادی رابه عنوان دشمنان اسلام و حزب کفار توصیف کرد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۴۳). این گفتمان قبل از انقلاب با دال‌های برگزاری انتخابات آزاد، آزادی مطبوعات، لغو حکومت نظامی و استقلال و ملی کردن نفت و کوتا کردن دست استعمارگران و بعد از انقلاب اسلامی با دال ارتباط‌گیری باجهان غرب، آزادی درعرصه‌های سیاسی و انتخابات در جغرافیای سیاسی ایران در ارتباط‌گیری با مردم و مشارکت آنها نقش بازی می‌کرد.

## ۲.۲ گفتمان اسلام‌گرا و مبانی فکری و نقش آن در مشارکت مردم

گفتمان اسلام‌گرا یکی ازگفتمان‌های مهم درطول تاریخ ایران است که از سال ۱۳۲۰ به بعد شامل دو جریان، اسلام سنتی و اسلام سیاسی بود. اسلام سنتی دارای وجه سیاسی کم‌رنگی بود و بیشتر بر ابعاد فرهنگی تأکید داشت. برخلاف آن اسلام سیاسی بر وجه اعتراضی و سیاسی اسلام تأکید داشت. آیت‌الله بروجردی مهمترین نماینده اسلام سنتی و امام (ره) مهمترین نماینده اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی ازدهه بیست در ایران شکل و دردهه چهل، بارور و فراگیر شد و سپس با پیروی انقلاب اسلامی کامل گردید. و از دهه چهل به عنوان یک گفتمان قدرتمند و درگفتمان اسلام سیاسی باهویت اسلامی در کانون عمل سیاسی قرارگرفت و اسلام به دال برترتبدیل شد (سعید، ۱۳۸۶: ۲۰).

در ایران گفتمان اسلام سیاسی برقرائت شیعی و آموزه‌های عاشورایی به عنوان دال برتر سازماندهی اصلی جامعه ایران تأکید می‌کند اسلام سیاسی درپی حکومت اسلامی بود و حکومت اسلامی نقطه کانونی آن را شکل می‌دهد. هدف آن، بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی است و در این راه، کسب قدرت سیاسی مقدمه‌ای ضروری انگاشته می‌شود (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۷) در مجموع میتوان گفت که دو دسته از عوامل نقش و تأثیری اساسی در هژمونیک شدن گفتمان اسلام‌گرا نسبت به دیگر گفتمان‌ها داشته است که تحت عنوان عوامل گفتمانی و عوامل سیاسی قابل بررسی می‌باشد. این طیف با دارا بودن گستره وسیعی از افراد تأثیرگذار و اطاعت و حمایت از رهبری نهضت توانست در عرصه سیاسی کشور به‌عنوان تأثیرگذارترین گروه سیاسی حضور یابد. نیروهای مذهبی در این دوره در شورای انقلاب، اکثریت را داشته، همچنین شاخص‌ترین گروه این طیف «حزب جمهوری اسلامی» بود که با داشتن کادر رهبری قوی، می‌خواست همه نیروهای

انقلاب را بسیج و سازماندهی کند. (جاسبی، ج ۱، ۱۳۷۹: ۳۶۷) از آنجائیکه مجموعه گفتمان‌هایی که در درون نظام هویت خود را بر اساس غیریت سازی باگفتمان رقیب شکل می‌دهند و منبع هویتی آنها به حساب می‌آید. گفتمان انقلاب اسلامی ابتدابه حذف خرده گفتمان‌های سکولار و لیبرال پرداخت و حول دال اسلامیت شکل و برجسته شد. شکاف نیروهای سستی و مدرن در سال‌های اولیه انقلاب در قالب دو گرایش عمده اسلامی و غیر اسلامی ظاهر شد. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۷۸)

ویژگی بارز این دوره است که بر مبنای غیریت سازی برضدیت میان اسلام گرایی و سکولار نهاده شده است و به علت اختلاف نظر برسر شکل حکومت و سیاست خارجی و داخلی، با استعفای بازرگان و کابینه اش، لیبرال‌ها کاملاً از صحنه انقلاب و رقابت سیاسی حذف شدند و جریان سستی اسلام گرا به استیلا و برتری کامل دست یافت و هویت یابی در درون آن به شکل دیگری ادامه پیدا کرد. در این دوره گفتمان اسلام گرا با بهره گیری از دال اسلام خواهی مردم و تاسی به مبانی اسلام و در صحنه نگه داشتن مردم بر مبنای تکلیف در جمهوریت و مشارکت سیاسی موثر و بهره جست.

### ۳.۲ گفتمان دفاع مقدس و مبانی فکری و نقش آن در مشارکت مردم

آنچه فضای دهه اول ایران پس از انقلاب را تحت تأثیر قرار داد و حضرت امام تأثیر بسزایی در آن داشت گفتمان دفاع مقدس بود. جنگ موجب شد که «گفتمان دفاع مقدس» طی یک دهه گفتمان مسلط جامعه ایران گردد. در پرتو این گفتمان دال‌های «آخرت‌گرایی، معنویت‌خواهی، ایثارگری، شهادت‌طلبی، دنیاگریزی، مردم‌سالاری، دین‌باوری، تقدم منافع جمعی بر منافع فردی، تولی و تبری، جهاد و مقابله با تجاوز» به مثابه دستورالعملی برای کاربست آحاد ایرانیان حول دال مرکزی نظام و امام درآمد. در این فضا بود که مفاهیم و واژگانی چون «راست» و «چپ» در عرصه سیاسی با تدبیر حضرت امام (ره) و با توقف و تعطیلی کار حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به حاشیه رانده شد. (دارابی، علی: ۱۳۸۲، ۱۸۶) به عبارت دیگر می‌توان گفت رهبری انقلاب اجازه نداد عوامل مزاحمی گفتمان اصیل انقلاب را که در گفتمان دفاع مقدس تجلی یافته بود دست‌خوش آسیب کند.

اساساً دوره ی ده ساله ی اول جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ دارای دو ویژگی متمایز و دو دال برتر است: وجود شرایط جنگی و حضور شخصیت کاریزمایی امام. این دو عامل در کنار هم در برجسته شدن اسلام گرایان و به حاشیه رفتن گفتمان های دیگر در این دوره تأثیری عمیق داشت. شرایط جنگی به حاشیه راندن غیرهای داخلی را سرعت بخشید و توجهات لازم را در اختیار گفتمان اسلام گرای سستی قرار داد. اصولاً وقتی گفتمان حاکم در مقابل دشمن یا دشمنان بزرگ تر و قوی تر خارجی قرار می گیرد، برای دشمن خارجی اجازه رقابت به خرده گفتمان های کوچک تر در فضای سیاسی اجتماعی درون جامعه را نمی دهد و از این وضعیت برای حذف آنها استفاده می کند. به این وضعیت در نظریه گفتمان لاکلائو و موافه، مداخله هژمونیک گفته می شود. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۴۷) تا پیش از سال ۱۳۶۸، سیاست و حکومت در ایران تحت تأثیر شخصیت رهبرانقلاب به عنوان محور اصلی نظام سیاسی قرار داشت. شیوه ی رهبری کاریزمایی آیت الله خمینی نظام سیاسی را همواره در حال پویایی، جریان و حرکت نگه می داشت (بشیریه، ۱۳۸۲: ۴۷)

امام خمینی به دلیل مقبولیت عام در جامعه و نفوذ کلامی و جایگاهی که در بین مردم داشت ظرفیت یک بسیج عمومی در بین مردم و مسولین را بوجود آورده بود. این بسیج گسترده و عمومی عامل اصلی حفظ و استمرار گفتمان انقلاب اسلامی با عنوان گفتمان دفاع مقدس، هژمونیک روحانیت سنت گرای مذهبی بود. و در واقع نوعی ثبات سیاسی اجتماعی در کشور حاکم و میان دستگاه های اجرائی و نهادهای انقلابی وحدت و هماهنگی حکمفرما بود در حقیقت، بعد از حذف گروه های غیراسلامی (سکولار و لیبرال) در چهار سال اول، ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲، اگرچه با خالی شدن فضای سیاسی-اجتماعی از دشمن (داخلی) به تدریج غیریت سازی میان خود گروه های اسلامی برجسته تر شد، ولی این غیریت سازی با غیریت سازی اولیه متفاوت است. تعارض میان سنت و تجدد در دوران اول غیریت سازی ها مبتنی بر تعارض میان اسلامی و سکولار بود. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۴۸) در این برهه از نظام گفتمان مذکور با بهره گیری از دال غیرت ملی و ضرورت دفاع از کشور و وطن دوستی به تهیج مردم در جمهوریت و مشارکت سیاسی استفاده کرد.

## ۴.۲ گفتمان راست سنتی (مذهبی) و مبانی فکری و نقش آن در مشارکت مردم

گفتمان راست سنتی یکی از با سابقه ترین، معتبرترین، بانفوذترین جریان های سیاسی اسلام گرای کنونی در ایران اسلامی است که می توان آن را یکی از ستون های اصلی در فضای سیاسی ایران و نظام مردم سالاردینی دانست. این جریان همواره در عرصه های سیاسی اجتماعی جامعه اسلامی نقش فعالی دارد. در دهه ۶۰ ظهور کرد که اگر چه ریشه در دوره پیش از انقلاب داشت اما پس از انقلاب تشکل و انسجام یافت و در ادوار انقلاب مرجع جریان های انقلابی است. مبانی آنرا باید در دیدگاه اقتصادی از جمله اصلاحات ارضی، سهمیه بندی کالاها و کنترل توزیع و دولتی شدن تجارت خارجی دید. محافظه کار و آرمان گرای واقع بین نامید می شوند. (شادلو، ۱۳۹۲: ۱۲۷ تا ۱۳۷)

برای ارزش‌ها اهمیت قائل بوده و معتقد است رشد و توسعه اقتصادی نباید با ارزش‌ها در تضاد قرار گیرد. و عدالت اجتماعی را مقدم بر توسعه می داند، به این معنی که باید توسعه را برای بسط عدالت اجتماعی هدف قرار داد. در زمینه اقتصادی با ادغام در بازارهای جهانی و هر گونه اقدامی که اقتصاد سنتی را تغییر اساسی دهد و ارزشهای دینی و هنجارهای اجتماعی را نادیده انگارد مخالف است. در نگرش اقتصادی تجارت و صادرات اهمیت بسیاری دارد. پایگاه اجتماعی راست سنتی را می توان در اقصای مذهبی، طبقه متوسط به پایین، بازار و طیف سنتی دین مدار مشاهده کرد. راست سنتی در ادوار مختلف انتخاباتی جهت انتخاب مجریان نظام مردم سالار دینی همواره نقشی موثر و تاثیرگذار داشته است.

گفتمان مذکور ولایت فقیه را یک مسئله تشخیصی می داند نه انتخابی، ضمن موافقت با حزب با گسترش دامنه حزب به روحانیت مخالف است، در اقتصاد طرفدار خصوصی سازی و سیاست تعدیل و استفاده از منابع خارجی است، خط مشی فرهنگی این گفتمان ریشه در اسلام ناب محمدی و تفکرات اصیل شیعی دارد و حفظ ارزش های معنوی و مسائل ارزشی اسلام و مقابله با تهاجم فرهنگی رادنبال می کند. (دارابی، ۱۳۹۵: ۱۲۲ تا ۱۲۸) در این دوره گفتمان راست سنتی بابت بهره گیری از دال بسط عدالت اجتماعی و حفظ ارزشهای سنتی و هنجارهای مورد قبول مردم سعی در تجلی جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم نمود.

## ۵.۲ گفتمان چپ سستی (مذهبی) و مبانی فکری و نقش آن در مشارکت مردم

گفتمان چپ سستی یکی دیگر از با سابقه ترین گفتمان های سیاسی کنونی در ایران است. این جریان در دهه ۶۰ نقش فعالی در عرصه های سیاسی داشت. بعد از کنار رفتن دولت موقت و دولت بنی صدر (نمایندگان جناح لیبرال) زمینه و شرایط برای بروز و ظهور اختلافات نظری در میان نیروهای انقلابی درون حاکمیت را مهیا کرد (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۴۸)، دفاع فعال از قشر مستضعف و گسترش آموزش های عقیدتی و گزینش افراد و تاکید بر تعهد به جای تخصص، هواداری از آرمان برابری فرصت ها و گرایش به ایمان دنیوی-اخروی، هواداری از دگرگونی هرچه سریعتر و هرچه عمیق تر در جهت ایجاد برابری در ابعاد مختلف و گرایش آنها به سوی جهان وطنی و امت واحده بوده، و به جای مهین پرستی و ملیت گرایی در جهت بسط آن گام بر می دارند (ظریفی نیا، ۱۳۷۸: ۸۱) همچنین گفتمان چپ سستی در سیاست خارجی، دارای موضع رادیکال است. با استناد به متون دینی، تفاسیری ارائه می داد که در آن، غرب ستیزی و صدور افکار و آرمان های انقلاب به هر نحوی، از اهداف آنها می باشد (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۵۱) و با قدرت های بزرگ همچون رقیبان و مخالفین داخلی خود برخورد می کنند و هرگونه رابطه با آمریکا را به شدت رد می کنند و معتقد به مقاومت در برابر آن است. و در کل نگرش بین المللی آنها در تئوری اسلام و کفر خلاصه می شود (ظریفی نیا، ۱۳۷۸: ۸۱) ولی در گردش دوران انقلاب چرخشی در افکار این گفتمان رخ داده است.

گفتمان چپ سستی معتقد است که تهاجم فرهنگی وجود دارد اما عوامل داخلی را در این امر موثر می داند (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۵۴) طرح شعارهای احساس برانگیز و آرمانی را باید دست آورد خصلت رادیکالی و انقلابی این جناح دانست. به هر حال دید آنها نسبت به مقوله های فرهنگ و مظاهر آن بسیار بسته و تنگ نظرانه است و با هر نوآوری در زمینه فرهنگ که بخواند سنت ها و ارزش ها را تعدیل نماید، برخورد می کند. البته از سال ۱۳۷۵ به بعد دیدگاه معتدل تری نسبت به مسائل مطرح شده پیدا کرده اند (ظریفی نیا، ۱۳۷۸: ۸۰) از دیدگاه گفتمان چپ سستی، توسعه و رشد اقتصادی در مقایسه با عدالت اجتماعی از اولویت کمتری برخوردار است (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۵۳). به طور کلی دخالت مستقیم دولت در اقتصاد، تأکید بر عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی و سیاسی، مخالفت صریح با خصوصی سازی، آزادسازی اقتصادی و مخالفت با تعدیل اقتصادی و حاکمیت سرمایه داری



گفتمان‌های سیاسی و نقش آن‌ها در ... (بهرام ستاری دستنایی و دیگران) ۱۰۳

و سرمایه‌دار، مخالفت با حذف سوبسید (یارانه) از دیدگاه‌های اقتصادی چپ سستی بود (ظریفی نیا، ۱۳۷۸: ۸۰) در این زمان گفتمان چپ سستی با گسترش دال دفاع از مستضعفین و برابری فرصتها و ترویج پرداخت یارانه سعی نمود که جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم را گسترش دهد.

## ۶.۲ گفتمان چپ مدرن و مبانی فکری و نقش آن در مشارکت مردم

به باور تحلیلگران علوم سیاسی طی دهه هفتاد در چرخش گفتمانی که در چپ سستی شکل گرفت، این جریان به سمت نگرش‌ها و رویکردهای متفاوتی نسبت به گذشته حرکت کردند و چپ مدرن از آن زاده شد. گفتمان چپ مدرن (یا چپ جدید) را باید یک جریان نوپا و تازه در عرصه‌ی اجتماعی و سیاسی ایران دانست این گفتمان که اغلب از افراد میانه‌روی چپ سستی تشکیل شد، (ظریفی نیا، ۱۳۷۸: ۶۲) پس از دور ماندن از قدرت از سال ۱۳۶۸ به بعد در اثر جبر زمانه و جبر ناشی از دوری قدرت و حضور در مراکز علمی و دانشگاهی، روی به سوی تجدد و نوآوری و بازنگری آورد و در نهایت به نوعی روشن فکر متعهد جبری منجر شد پایگاه اجتماعی این جریان را باید در طبقات متوسط، دانشجویان و اقشار مذهبی و بخش‌های روحانیون و روشنفکران مذهبی دانست. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، مواضع فکری جدید دفتر تحکیم وحدت و جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی را باید از گروه‌های منتسب به جریان چپ مدرن دانست. مواضع و دیدگاه‌های جناح چپ مدرن را باید در تعدیل و دخل و تصرف دیدگاه‌های سایر طیف‌ها به‌ویژه چپ سستی یافت. (ظریفی نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۰)

چپ مدرن، مشروعیت ولی فقیه را از قانون اساسی می‌داند که در مقابل مردم مسئول می‌باشد و هرگاه مردم بخواهند، از طریق مجلس خبرگان می‌تواند رهبری را عزل نماید. (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۶۲) چپ مدرن در بُعد سیاسی به مشارکت سیاسی مردم در قالب نهادهای مدنی و احزاب می‌نگرد و احزاب و گروه‌های سیاسی را حد وسط بین دولت و جامعه می‌داند و بر جمهوریت و اسلامیت نظام تأکید دارد (بیش از سایر طیف‌ها به عنصر جمهوریت تأکید دارد). (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۶۵) و معتقد است، اسلامیت نظام ناشی از جمهوریت آن است یعنی تلاش برای استقرار دولت مقتدر را در کنار ایجاد جامعه‌ی مقتدر بهترین راه حل برای حفظ ثبات سیاسی و پیشرفت تلقی می‌کند. (ظریفی نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۵)

چپ مدرن به تبادل فرهنگی و تقویت بسترها و زیرساخت‌های فرهنگی، حفظ و تقویت هویت دینی و ملی برای ایجاد مصونیت اجتماعی در برابر تهاجم و ایجاد زمینه‌ی اندیشه‌سازی، اهمیت زیادی می‌دهد. در این زمینه معتقد است، بزرگترین ظلم به جامعه، محروم کردن آن جامعه از آراء و افکار خود آن جامعه است و در نهایت جامعه را به ورطه‌ی استبداد می‌کشاند. طیف مدرن معتقد به امر نقد و نقدپذیری است و در این راه به دو نوع نقد توجه دارد، یکی نقد سنت‌هایی که جای این نشست‌اند و دیگری نقد غرب، نه نفی آن. (ظریفی نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۳) آنها تعامل و رابطه با فرهنگ غرب را نوعی تقویت بسترها و زیرساخت‌های فرهنگی جهت تقویت هویت دینی و ملی می‌دانند که می‌تواند گامی در جهت مصونیت اجتماعی در برابر تهاجم به حساب آید. از این رو معتقدند، استراتژی فرهنگی نظام، نباید استراتژی منع باشد. (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۶۶) در این دوره گفتمان چپ مدرن با بهره‌گیری از دال روشنفکری، گسترش نهادهای مدنی و احزاب و جمهوریت‌خواهی و نقد و نقدپذیری و تاختن به نهاد های حاکمیتی به مشارکت سیاسی مردم بهاداده و آنرا تقویت و بر مشارکت آنها بیافزایند.

## ۷.۲ گفتمان سازندگی و مبانی فکری و نقش آن در مشارکت مردم

با پذیرش قطعنامه توسط جمهوری اسلامی و پایان یافتن جنگ، حضرت امام (ره)، «لزوم بازسازی» کشور اولویت‌دارترین مسأله کشور بود. ترمیم خرابیهای ناشی از جنگ، ساخت زیربناها، بیرون بردن کشور از فضای شدیداً وابسته به واردات بر پایه اقتصاد نفتی، بسط فضای دیپلماتیک و... موجب شد که «گفتمان سازندگی» به مثابه ایدئولوژی نجات‌بخشی برای دهه دوم انقلاب درآید. فن‌سالاران یا تکنوکرات‌ها، در قالب حزب دولت‌ساخته کارگزاران سازندگی، بخش عمده و اصلی اداره کشور را از آن خود کردند، اما اشکال عمده گفتمان سازندگی همانا تکیه صرف بر توسعه اقتصادی و بی‌توجهی به «عدالت و معنویت» و به حاشیه‌راندن «فرهنگ و آزادی» بود. شعار اصلی تکنوکرات‌ها بر پایه سازندگی و آبادانی کشور بود و به عوامل تأثیرگذار آن توجه لازم را نداشتند. ایراد مهم دیگری که بر این گفتمان بود آنکه دولت تلاش کرد خود پرچمداری آن را بر عهده گیرد و تذکرات ناصحانه و دلسوزانه رهبری نیز برای تصحیح بعضی از اشکالات بنیادی، آن‌گونه که انتظار می‌رفت، در عمل به کار بسته نشد، همانند سایر خرد گفتمان‌ها، در گزاره‌های

اصلی و محوری سایر خرده گفتمان‌های مشترک و درگزاره‌های فرعی و انشقاقی دارای تمایزند. (دهقانی فیروز ابادی، ۱۳۸۸: ۱۹۲) پس از استقرار دولت هاشمی جریان چپ سابق و راست مدرن، با عنوان کارگزاران در جامعه در پی اقدامات بوجود آمده با راست سنتی اعلام موجودیت کرد. (دارایی ۱۳۹۵: ۳۳۷) در گفتمان سازندگی، تعدیل و توسعه اقتصاد محور، دال مرکزی را تشکیل داد و سایر دال‌ها از قبیل اعتدال گرایی، توسعه به مثابه عدالت، گرایش به الگوی توسعه سرمایه داری، ثبات سیاسی، مشارکت گرایی محدود، دیپلماسی اقتصاد گرا، تنش زدایی و امنیت ملی رشد محور با محوریت دال مرکزی تثبیت شده و معنایی جدید یافتند.

از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ مهم‌ترین گروهی که پا به میدان سیاست نهاده است، حزب کارگزاران سازندگی است. انگیزه تشکیل حزب تداوم سیاست‌های آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت در رابطه با دوران سازندگی پس از جنگ و ماندن بر سر قدرت بود. مهم‌ترین مبانی این گروه، تکنوکراسی یافن سالاری است و بر توسعه اقتصادی پای می‌فشارد. (مظفری، ۱۳۹۴: ۱۴۱) سازگاری اسلام با مثنوی لیبرالیسم، لیبرال دمکرات مذهبی، حاشیه‌ای قلمداد کردن مقوله فرهنگی، اصالت دادن به اقتصاد و ترویج رفاه‌طلبی، تجمل گرایی، ثروت‌اندوزی و اسراف و تبذیر میان برخی از مدیران و مسئولان حکومتی، ایجاد شکاف و فاصله میان مردم و مسئولان در اثر تفاخر برخی از مسئولان، پدید آمدن باندبازی، حزب‌گرایی، تبارسالاری در میان برخی از مسئولان از مبانی فکری این گفتمان است (مرعشی، ۱۳۸۶) هر چند اعضای حزب بر اصل نظام جمهوری اسلامی، جمهوریت، اسلامیت و ولایت فقیه تأکید دارند اما در عمل نشان داده‌اند که بیشتر به توسعه اقتصادی می‌اندیشند. ایشان همچنین اختیارات ولی فقیه را محدود به قانون اساسی می‌دانند. عدم اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه در بین برخی از افراد حزب و در پیش‌گیری سیاست تساهل و تسامح فرهنگی از جمله اشکالاتی است که بر این حزب وارد شده است. (مظفری، ۱۳۹۴: ۱۴۲) در این دوره گفتمان سازندگی با بهره‌گیری لزوم سازندگی کشور و تأکید بردال تخصص و توسعه اقتصاد محور و ترویج رفاه عمومی با مثنوی تسامح و تساهل باعث انگیزه مشارکت سیاسی و تجلی جمهوریت شدند.

## ۸.۲ گفتمان اصلاحات و مبانی فکری و نقش آن در مشارکت مردم

دهه سوم نظام دهه گفتمان اصلاحات بر پایه «توسعه سیاسی» بود. آزادی، مشارکت مردم، انتخابات، افتتاح فضای سیاست خارجی و گسترش ارکان دموکراسی از ویژگی‌های اصلی این گفتمان بود. برغم برخی دستاوردهای مثبت این گفتمان، اشکالات عدیده‌ای بر آن وارد بود؛ در این گفتمان، «دین و معنویت» به دلیل غلبه نگاه سکولار باید به حاشیه رانده می‌شد و تمام تلاش مسئولان مصروف «آوردن دموکراسی بر سر سفره مردم» می‌شد. تورم، گرانی، رکود واحدهای تولیدی، تعطیلی کارخانجات، افزایش بیکاری، و بی‌توجهی به سازندگی و آبادانی کشور فهرستی از ایرادهای وارد به این گفتمان بود. هرچند رهبری تلاش کرد مانند گفتمان سازندگی، اصلاحات را بومی و آن را از اصلاحات امریکایی و بدلی تفکیک سازد، رادیکالها مجال اصلاح را از مقامات و مسئولان عالی‌رتبه گرفته بودند و گفتمان که به دنبال مشارکت مردم در اداره امور بود، با ادبار و رویگردانی مردم روبرو شد. با وجود این، هشت سال طول کشید تا رسماً پایان آن اعلام شود. (دارابی، علی: ۱۳۸۱، انتخابات هشتم)

این گفتمان با رویکردی متفاوت از گذشته با چرخش رویکرد اقتصادی به‌سیاسی، فعال‌شدن عرصه‌های سیاسی جامعه با شعارهای جدیدی همچون جامعه مدنی، آزادی، مردم‌سالاری، اصلاحات و توسعه سیاسی بامحور «سید محمد خاتمی» آغاز شد. مفصل‌بندی جدیدی حول دال مردم شکل گرفت که دال‌های دیگری مانند آزادی، جامعه مدنی، قانون‌گرایی و توسعه سیاسی را در یک نظام معنایی ویژه به هم مرتبط ساخت. این مفصل‌بندی چندان جدید هم نبود، بلکه ظهور دوباره دال‌هایی بود که قبلاً چون با سکولاریسم گره خورده بودند، طرد شده بودند. اما این بار عناصر تجدد در هیئتی نو مجدداً به میدان آمدند و تضاد میان تجدد و سنت‌گرایی دوباره خود را به شکلی جدید نمایان ساخت. این هیئتی که تجدد به خود پوشید، نوعی اسلام‌گرایی بود که با قرائتی جدید از مردم در قالب مردم‌سالاری (دینی) رخ نمود از همین رو، تلاش‌های برای برجسته‌سازی آن عناصری از اسلام که سازگاری بیشتری با تجدد دارند صورت گرفت. تشکیل شوراهای، و گسترش مباحث نظری پیرامون نواندیشی دینی، شورا و دموکراسی مشورتی در راستای تلاش برای ساختار شکنی رویکردهای پدرسالارانه و اقتدارگرایانه از اسلام و ارائه قرائتی دموکراتیک و متجدد صورت گرفتند. درحقیقت دال مرکزی گفتمان

اصلاح طلب دقیقاً در نقطه‌ی مقابل دال مرکزی گفتمان محافظه‌کار قرار گرفت. اصلاح‌طلبان با تأکید بر مردم به دنبال نوعی مشروعیت بخشی از پایین به بالا هستند که براساس آن مردم واسطه‌ی مشروعیت یافتن حاکم از سوی خداوندند. درحالی‌تعبیر محافظه‌کاران از ولایت به گونه‌ای است که نقش مردم تنها کشف مصداق ولایت و ضرورت اطاعت است و مردم نقش مشروعیت بخشی ندارند. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۵۳ و ۱۵۴) در دهه سوم نظام گفتمان اصلاحات با ترویج دال‌های آزادی، مشارکت مردم، افتتاح فضای باز سیاسی، تشکیل شوراهای و جامعه مدنی حضور مردم را در مشارکت سیاسی و جمهوریت نظام تقویت کرد.

## ۹.۲ گفتمان اصول‌گرایی و مبانی فکری و نقش آن در مشارکت مردم

اصول‌گرایی یکی از گفتمان‌های اصلی، فراگیر و مهم پس از انقلاب عمدتاً پایه‌های خود را بر نقاط مثبت گفتمان‌های گذشته قرار داده است. و به مثابه ایدئولوژی و راهبرد نیز تعریف می‌شود. این گفتمان با اخذ مسأله پیشرفت و آبادانی از گفتمان سازندگی، و اصلاحات بومی از گفتمان اصلاحات، مدلی ترکیبی به نمایش گذاشته است. افزون بر این، ساختار و عناصر مقوم خود را از گفتمان دفاع مقدس و دیعه گرفته است تا بتواند همه نقاط قوت گفتمان‌های گذشته را در خود جمع کند و عیوب و اشکالات آنها را نیز وانهاده باشد.

اصول‌گرایی با محافظه‌کاری و بنیادگرایی تفاوت بنیادین دارد، از این رو نباید آن را با محافظه‌کاری و بنیادگرایی یکسان دانست زیرا اصول‌گرایی به معنای پای بندی به اصول و ارزش‌های خاص و پذیرش تغییر و تحول براساس آن‌هاست در حالی که محافظه‌کاری، به مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و انگاره‌های سیاسی گفته می‌شود که نهادهای کهن و ریشه دار را از آنچه نو و نیاز بوده است، ارزشمند تر می‌شمرد (عاشوری: ۱۳۶۸، ۲۹۸) و محافظه‌کار به هر فرد یا گروهی گفته می‌شود که به دنبال تأیید وضع موجود و مقاومت در مقابل تغییر و دگرگونی است. (اقابخشی، افشاری: ۱۲۸، ۱۳۷۶) در محافظه‌کاری نوعی مقاومت در برابر هرگونه تغییر نسبت به وضع موجود نهفته است، اما در اصول‌گرایی بر پایه و مبنای اصول و ارزش‌ها به تغییر و تحول نیز توجه می‌شود.

هم‌چنین به کار بردن اصطلاح بنیادگرایی نیز در مورد اصول‌گرایی صحیح نیست زیرا در اصول‌گرایی ضمن پای بندی به اصول و ارزش‌ها از قشری‌گری، تحجر و واپس‌گرایی

که از ویژگی های بنیادگرایی است کناره گیری می شود. بنیادگرایی جنبشی در چهارچوب یک دین یا آیین سیاسی که گرایش به شکل اصلی و ارزش های اولیه آن دین یا آیین سیاسی دارد و با قشری گری و تمسک به ظواهر همراه است. (افشاری اقباحتشی ۲۶۱، ۱۳۷۶)

مهم ترین مبانی فکری گفتمان اصولگرا عبارتند از: توجه ویژه به ارزشها و اصول اسلامی و انقلابی و محور قرار دادن آن در تصمیم گیری ها، عدالت محوری و رفع محرومیت ها و تبعیض ها و توزیع عادلانه منابع کشور و پایه ریزی اقتصاد عدالت محور، خدمت گذاری بی منت و مهر ورزی و در عرصه سیاست خارجی محور قرار دادن اصول و ارزش های انقلاب، تامین منافع ملی و کوتاه نیامدن در برابر زیاده خواهی های قدرت های بزرگ. مقام معظم رهبری ضمن تبیین ملاک اصولگرایی فرمودند: «هر کس و هر جریانی که به مبانی انقلاب علاقه مند و پایبند و هر نامی که داشته باشد جزو اصولگرایان است» (مقام معظم رهبری، ۸۵/۳/۲۹). شاخص محوری گروه های اصولگرا اعتقاد راسخ به پذیرش فرامین رهبری انقلاب به عنوان ولی فقیه و اصل ولایت مطلقه فقیه است. شاخصه های اصول گرایی از منظر رهبری:

۱- ایمان و هویت اسلامی و انقلابی و پای بندی به آن؛ ۲. اعتزاز به اسلام؛ ۳- عدالت؛ ۴- حفظ استقلال سیاسی؛ ۵. تقویت خودباوری و اعتماد به نفس ملی؛ ۵- اهتمام به علم و پیشرفت و جهاد علمی؛ ۶- تثبیت و تأمین آزادی و آزاداندیشی؛ ۷- اصلاح و تصحیح روش ها؛ ۸- شکوفایی اقتصادی؛ (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۵/۳/۲۹) (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۵/۶/۶)

در این برهه از تاریخ انقلاب گفتمان اصول گرایی با توجه به دال های ارزشی و انقلابی، عدالت محوری، رفع محرومیت ها و تبعیض ها، توزیع عادلانه منابع، مهرورزی و خدمت گذاری بی منت بر جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم در صحنه های متفاوت خصوصا انتخابات افزود.

### ۳. گفتمان ها، جمهوریت و مشارکت سیاسی

اساسا لفظ جمهوریت و مشارکت تداعی گر زندگی جمعی و اجتماعی است و از آنجایی که بشر موجودی است که زندگی واقعی اش تنها با نقش های اجتماعی و جمهوریت معنا

پیدا می‌کند. این مشارکت به معنای عامیانه آن از همان نقطه آغازین اجتماع کوچک خانواده شروع و بالاخره در سطح قریبه، ولایات، شهر و استان و نهایتاً کشور ادامه پیدا می‌کند. البته جمهوریت و مشارکت سیاسی نوعی توسعه سیاسی نیز محسوب می‌شود. حضور گفتمان‌های سیاسی نیرومند، گروه‌های نفوذ، آزادی مطبوعات و نهادهای پارلمانی، وسایل ارتباط جمعی برای انعکاس واقعیت‌های جامعه نمودهایی از این جمهوریت و مشارکت است. بحث جمهوریت و مشارکت سیاسی، امروزه یکی از مباحث مهم دردیدگاه‌های نظری اندیشمندان و سیاستمداران کشورهای جهان است. این بحث از ویژگی‌های خاصی برخوردار و به عنوان یک شاخص از دخالت و نقش مردم در تعیین سرنوشت خود حکایت می‌کند، مساله ضرورت مشارکت و جمهوریت و فایده‌ی آن دارای ریشه‌های تاریخی است و از آنجا آغاز می‌شود که جمهوریت و مشارکت به عنوان یک فرآیند می‌تواند دولت و سیستم سیاسی را مورد کنترل و تحدید قرار دهد. و در نهایت با مشارکت افراد جامعه می‌توان جلو دیکتاتوری و استبداد را گرفت و در مسائل سیاسی و تصمیم‌گیری‌ها دخالت نمود.

آشنایی افکار عمومی با کارویژه‌های مهم و مثبت مشارکت سیاسی توسط گفتمان‌های سیاسی برای مردم گامی اساسی برای دعوت آنها جهت حضور در صحنه‌های مختلف کشور به شمار می‌آید. یکی از مهمترین کار ویژه‌های مشارکت سیاسی افراد، اعطای مقبولیت به نظام سیاسی است بدین معنا که یکی از مهمترین مشکلات نظام‌های سیاسی مساله بحران مقبولیت است و مشارکت موجب یک ارتباط تنگاتنگ بین نظام سیاسی و جامعه می‌شود، مردم با انتخاب مسئولان سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها دخالت می‌کنند و با اعمال نظارت خود به اشکال مختلف احساس نزدیکی بین خود و هیأت حاکمه به وجود می‌آورند. اصولاً اندیشمندان مشارکت را پایه مقبولیت می‌دانند یعنی هر چه مشارکت بیش‌تر، کامل‌تر و آگاهانه‌تر باشد طبعاً نظام سیاسی از اقتدار بیشتری برخوردار بوده و کارآمدتر عمل خواهد نمود. که این مهم با توجه به عدم فرصت‌های برابر مردم جهت اثبات جمهوریت از طریق گفتمان‌های متعدد که زمینه حضور آنها را فراهم می‌کند تجلی پیدا می‌کند. (بزرگی، مهدی، ۲، ۸۴/۲۱ باتلخیص)

در نظام مردم‌سالاری ایران هر شهروند حق دارد به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در کلیه تصمیم‌گیری‌ها دخالت نماید و هیچ کس را نمی‌توان از چنین حقی محروم کرد

به همین دلیل برخی دموکراسی (مردم سالاری) را مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود تعریف کرده اند. بنابراین جمهوریت و مشارکت سیاسی فرایندی است؛ مرکب از مجموعه از کنش‌ها و رفتارهایی که شهروندان جهت اعمال نفوذ، تأثیر گذاری و یا حمایت از نظام سیاسی حاکم انجام می دهند که این جمهوریت و مشارکت سیاسی توسط گفتمان‌های متعدد و متنوع در نظام حاکمیتی صورت می پذیرد، چون گفتمان‌ها برای هژمونی خود درصدد یارگیری از میان مردم در جغرافیای سیاسی ایران هستند و در هر دهه و فرصت زمانی با شعارها و دال‌های مردم پسند وارد عرصه سیاسی اجتماعی می شوند و این ارتباط متقابل باعث مشارکت سیاسی و تجلی جمهوریت مردم می گردد.

#### ۴. زمینه‌ها و جلوه‌های جمهوریت و مشارکت سیاسی

عمدتاً شرایط و نموده‌های جمهوریت و مشارکت سیاسی در یک کشور شامل آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی انتخابات، آزادی فعالیت احزاب و رعایت عدالت و حقوق سیاسی می‌باشد. آنچه که تاکنون هم بدان اشاره شد این است که جمهوریت و مشارکت سیاسی یک جریان چند جانبه است یعنی از یک سو مقامهای سیاسی و هیئت حاکمه نباید دخالت مردم را برای خود یک نوع تنگنا و محدودیت حساب کنند و دخالت مردم و مشارکت آنان در حوزه وسیع تری بایستی صورت گیرد. که در فرایند موضوع قانونی بودن روند مشارکت مورد توجه قرار گرفته است که کانالهای مطمئن و تأثیرگذاری بر دستگاه سیاسی حاکم باشند و از طرف دیگر کسانی که بخواهند در فعالیت‌های سیاسی شرکت کنند باید از حداقل رفاه اقتصادی به عنوان یک فاکتور ضروری بر خودار باشند زیرا در جامعه ای که مردم در مشکلات اقتصادی زندگی کنند مشارکت آنان در امور سیاسی مشکل خواهد بود چون تمام تلاش مردم برای رفع نیازهای اولیه و مادی زندگی شان صرف خواهد شد. پس تامین رفاه اقتصادی برای شکل گیری جمهوریت و مشارکت لازم است. در یک نظام سیاسی کار آمد میان حکومت و جامعه یک رابطه اندام وار برقرار است حکومت کم و بیش در مقابل خواسته‌های گوناگون گروههای اجتماعی احساس مسئولیت میکند و دست کم برخی از خواسته‌ها و منافع را در سیاست‌های خود منعکس میکند وجود چنین نظامی طبعاً مستلزم این است که تنوع علایق و منافع فکری و اجتماعی و اقتصادی در جامعه حفظ شود و مردم بتوانند فردی و یا جمعی خواسته‌های خود را بیان کنند و



وسایلی برای بیان این خواسته‌ها وجود داشته باشند. وبه عبارت دیگر قدرت سیاسی در نتیجه مشارکت سیاسی آگاهانه مردم در جامعه دست به دست شود. امکان بیان فردی و یا جمعی خواسته‌ها یعنی جمهوریت و مشارکت سیاسی مستلزم وجود برخی آزادی‌های اساسی در جامعه است. به عبارت دیگر وجود آزادیها، فرصت عمل لازم را برای فرد و گروه‌های اجتماعی به وجود می‌آورد این فرصت عمل توسط گفتمان‌ها برای مردم مهیا می‌گردد، امکان برخورداری از منافع گوناگون اطلاعات و امکان رقابت گروه‌ها برای تبلیغ عقاید خود و جلب پشتیبانی عامه مردم از طریق گفتمان‌ها تسری پیدا می‌کند. رقابت و جمهوریت و مشارکت سیاسی و مخالفت سیاسی مسالمت‌آمیز و مشارکت عامه در زندگی سیاسی بی‌شک و منطقی‌تر نیازمند چنین آزادی‌هایی در جامعه و نظام سیاسی است.

#### ۵. جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم در پرتو گفتمان‌های سیاسی کشور

جمهوریت و مشارکت سیاسی آگاهانه در جغرافیای سیاسی ایران با بستر اجتماعی مناسبی در طول این چند دهه نظام مردم‌سالاری دینی روبرو شده است، از نظر جامعه‌شناختی نظام سیاسی پایدار توسط مشارکت همگانی و آگاهانه شهروندان به عنوان یک پروژه فراگیر محقق می‌شود. آنچه به عنوان مانع جمهوریت و مشارکت سیاسی در جامعه کنونی، محسوب می‌شود و پروسه مشارکت شهروندان را با مشکل مواجه می‌کند فقدان فرصت‌های برابر همه شهروندان در امر مشارکت سیاسی است که توسط گفتمان‌ها و با پذیرش سلاطین گوناگون فرصت برابر برای قومیت‌ها توسعه پیدا کرده است. باید گفت ساختار سیاسی و اجتماعی موزائیکی و چندتکه است یعنی مردم کنارهم چیده شده‌اند و تعاملاتی که بین این گروه‌ها صورت می‌گیرد می‌تواند انشقاق و از هم‌گسیختگی جامعه را از بین ببرد (مقصودی، مقاله) که توسط گفتمان‌های نظام سیاسی این انشقاق‌ها از بین می‌رود. به دیگر سخن هر چند مردم ما همواره نسبت به سرنوشت سیاسی خود حساس‌تر باشند از گفتمان‌های سیاسی بهره‌بهتری می‌برند، اما اگر این مشارکت‌ها در هاله‌ای از تعصبات قومی و نژادی یا انحصارگرایی و تفوق‌طلبی باقی بماند از نقش مثبت آن کاسته می‌شود. واقعیت آن است که تاریخ جامعه ما در چند دهه اخیر شاهد پیدایش گفتمان‌های سیاسی فراوانی با ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی بوده که عمده آنها موفق بوده‌اند. مشارکت سیاسی و جمهوریت را متناسب با مردم افزایش دهند. پایایی و پویایی این گفتمان‌ها،

«احزاب سیاسی، جامعه مدنی و...» و مهمتر از همه بستر فرهنگ سیاسی نخبگان نقطه قوت دیگری در امر مشارکت سیاسی بوده است، که با کمک دولت و ملت مهیا و اقوام و هویت قومی را در هویت جمعی ملت متبلور نموده و بر جمهوریت و مشارکت سیاسی می افزاید و انشقاق اقوام را از بین می برد. نخبگان با گفتمان های سیاسی و با ایجاد فرهنگ سیاسی مشارکتی، فرهنگ تساهل و مدارای سیاسی و جذب هویت قومی در هویت کلان ملی موجب تقویت مشارکت قومی و پررنگ کردن آن در جهت بهره برداری ملی می شوند. نقطه قوت نظری و فرهنگ مشارکت سیاسی در جغرافیای سیاسی ایران عمدتاً برآمده از فرهنگ سنتی جامعه است. ارزشهای سنتی هنجارهای ارزشمند قومی، کلان سالاری و ریش سفیدی، تعیین جایگاه منزلت اجتماعی بر مبنای انتساب قومی، تلقی اقتدار گرایانه و قوم مدارانه اعتماد گونه است. که هر یک سهم موثری در شکل گیری فرهنگ مشارکت پذیری در پرتوی گفتمان های نظام و حضور جدی بر سر مشارکت جمعی مردم در عرصه سیاست کشور داشته است. تقویت نهادهای کار آمد برای بیان خواسته ها، نخبه گرایی، اسطوره گرایی و رهبر پروری توسط گفتمان هاشکل می گیرد، رشد آگاهی مردم، از بین بردن نارساییهای ارتباطی نظیر رادیو و تلویزیون و مطبوعات فراگیر و ملی، تمایل سیستم سیاسی کشور به واگذاری نقش ها و تعهدات به نهادهای مربوطه، راهکار دیگری است که توسط گفتمان ها پیگیری و بر مشارکت سیاسی می افزاید. (حسینی سیدعلی: ۱۳۸۷)

به نظر می رسد یکی از مهم ترین راهکار ها، ایجاد فرهنگ مشارکتی در جامعه است بدین معنا که نقطه اتکای ما باید بیشتر روی مشترکات باشد تا فرهنگ جدیدی که تساهل و مدارای سیاسی در آن وجود داشته باشد را در جامعه رواج دهد. این وظیفه خطیر توسط گفتمان ها تسری پیدا می کند. جمهوریت و مشارکت سیاسی فقط در جامعه ای تبلور پیدا می کند که دارای فرهنگ مشارکتی باشد تازمانی که ساختار نظام سیاسی، تحزبی نباشد می توان بر اساس گفتمان های موجود از وجود مردم بهره مثبت جهت مشارکت عمومی برد. و ایجاد جامعه مردم سالار تحقق پیدا کند. همان طور که ما یک شبه به دموکراسی نمی رسیم یک شبه به مشارکت سیاسی هم نمی رسیم مشارکت سیاسی یک پروسه و یک روند در حال تحول است که این تحول توسط گفتمان ها در حال شکل گیری است. تحول، نیازمند نهاد های خاصی است تا انرژی و توان شهروندان در کانال و جریان خاصی هدایت و راهنمایی، و از کاسته شدن آن جلوگیری شود. که در طول

دهه‌های گذشته نظام مردم سالاری دینی توسط گفتمان‌های موجود این کاستی‌ها برطرف شده است و گفتمان‌ها این تدبیر را در هردهه با گفتمان مردم پسند به جامعه عرضه کرده‌اند. در دهه ۶۰ با گفتمان دفاع مقدس گفتمان چپ و راست سستی و مبانی فکری خود و در دهه ۷۰ با گفتمان سازندگی و گفتمان چپ و راست مدرن و مبانی فکری خود و دهه ۸۰ با دو گفتمان اصول‌گرا و اصلاح طلب و مبانی فکری خود اکنون نیز بارویکرد اعتدال این تحول در حال شکل‌گیری است. و انتخابات چند دهه نشان بلوغ جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم بوده است که بیش از سی انتخاب راتاکنون شاهد بوده ایم و هر حضور از حضور و مشارکت دیگری برای اقتدار نظام مفید تر بوده است.

## ۶. نتیجه‌گیری

یکی از مسائل و موضوعات اساسی در جوامع متنوع جمعیتی و متکثر از جمله ایران که دارای تنوع فرهنگی و خرده فرهنگ‌ها و جغرافیای سیاسی متنوعی است، نحوه مدیریت فرهنگ اصلی و خرده فرهنگ‌هاست. به نحوی که ضمن تشکیل یک اجتماع ملی فراگیر و پایدار، انسجام و پیوند و همگرایی میان مردم و خرده فرهنگ‌ها با یکدیگر از یک سو و پیوند و همگرایی آنان با دولت و هویت ملی از سوی دیگر برقرار و حفظ گردد. به طوری که اجتماعات ملی و خرده فرهنگ‌ها هویت خود را از دست ندهند از دال‌های مهم گفتمانی چگونگی و نحوه تنظیم تعاملات، مناسبات و روابط گروه‌ها و خرده فرهنگ با مجموعه حاکمیت، نظام و دولت‌های مستقر از یک طرف (روابط دولت با مردم) و روابط آنان با یکدیگر (روابط بین مردمی) از طرف دیگر و رابط گفتمانی با گفتمان‌های کشور می‌باشد. در واقع چگونگی تقسیم و توزیع منابع و فرصت‌ها و مکانیزم‌های حل و فصل نزاع‌ها و تعارض‌های بین جوامع در اجتماعات متکثر بستگی به نوع رویکرد، تلقی و تعریف دولت از ملت و رویه و سیاست‌هایی دارد که دولت‌های متبوع نسبت به مردم درون جامعه خود اتخاذ می‌کنند که نقش گفتمان‌ها حائز اهمیت است.

در آستانه انقلاب اسلامی با فروپاشی استبداد، هر یک از گروه‌ها، طبقات و اقشار جامعه ایران که منزلت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را در ساخت اجتماعی ایران دانسته و با همگامی و همراهی در پیروزی انقلاب موجب ترسیم منزلت شخصیتی گردید. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بستر قانونی مناسبی جهت حیات

سیاسی-اجتماعی مردم را فراهم آورد. باید توجه نمود اتخاذ شیوه های تعاملی با نخبگان اجتماع و بالا بردن سطح مشارکت سیاسی توسط گفتمان های سیاسی در این مناطق توسط دولت موجب گردید هم گرایی نخبگان محلی در این مناطق و تاثیر آنها بر نحوه نگرش مردمان ساکن در این مناطق در سایه تعامل با فرهنگ ملی موجب افزایش همبستگی ملی شود. اما آنچه اینجا مهم می نماید و باید نصب العین متولیان سیاسی ما باشد این است که با وسیع تر شدن میزان مشارکت در جامعه، رشد و توسعه، شتاب گرفته و بهره وری نیز افزایش می یابد. بطوریکه در فضای مشارکتی، تعارضها و ستیزها جای خود را به همکاری و تعاون می دهند که این مهم توسط گفتمان های فوق شکل گرفته است. بنابراین مشارکت سیاسی و احساس وابستگی و علاقه مندی باعث تقویت برنامه های کلان ملی می شود. این مشارکتها و حسن اعتمادها از طریق گفتمانها که منجر به تشکیل دولتها می شود تجلی پیدا خواهد کرد. مهم ترین حسن مشارکت سیاسی، تضمین رشد سیاسی مردم و جامعه در عین حفظ ثبات رژیم سیاسی خواهد بود، که در کشور ما می توان با کاستن تعصبات موجود در جامعه ایران و افزایش گرایشات ملی گرایانه، شرایط را برای مشارکت سیاسی عمومی فراهم کرد و در جهت رسیدن به وفاق اجتماعی و همبستگی ملی در سیاست گذاری های منطقه ای به مردم مورد توجه قرارگیرد و برای ثبات و امنیت و توسعه در کشور، در انتخاب مدیران برای عرصه های سیاسی، فارغ از نگاه محض ایدئولوژیک-مذهبی بیشتر به شاخص های بومی بودن فرد در همگامی با رهیافت های ملی-اسلامی موجود در گفتمان انقلاب توجه شود.

جمهوریت و مشارک سیاسی به مثابه یکی از مهم ترین مفاهیم و کلیدی ترین راهکارهای تبلور اراده مردم است که با رویگردگفتمان های سیاسی حاکم بر نظام مردم سالاری دینی همبستگی و نسبت وثیق و دقیق تری با میزان مقولیت نظام سیاسی ایران دارد. نحو حضور گفتمانها جهت نفوذ در جامعه سیاسی ایرانی و حضور در جغرافیای سیاسی ایران بستگی به چگونگی مکانیزم های مشارکت سیاسی توسط گفتمانها دارد که معیار روز افزون مشارک سیاسی مردم ایران را در جغرافیای سیاسی ایران رقم میزند. در جامعه متنوع ارزنده ایرانی گفتمان های نظام به دلایل ساختاری در پروسه ی مشارکت سیاسی خصوصا در انتخاب نمایندگان مجلس و به تبعه آن انتخابات ریاست جمهوری و مدیران اجرایی در عرصه های متفاوت و تصمیم گیری جهت پاسخ گویی به مطالبات در کنار مردم از اهمیت و جایگاه ویژه و حساسی برخوردار است.

گفتمان‌های سیاسی به همراه نخبگان جامعه که در درون این گفتمان‌ها قرار دارند با درک اهمیت این عناصر با تبلیغات گسترده و جهت‌دار و بیان اهداف گفتمانی در صدد تصرف قلوب، افکار و آرای مردم در جغرافیای سیاسی ایران اسلامی بوده و با ارائه طرح‌ها و برنامه‌های آرمانی و مردم‌پسند برای یارگیری توده‌های جمعیتی بر مشارکت اجتماعی و سیاسی می‌افزاید. و با افزایش این مشارکت‌های انتخاباتی و سیاسی و تصمیم‌سازی از سوی مردم در بتن جامعه سیاسی ایران مفهوم معنایی پیدا خواهد کرد. و حاوی پیام‌ها و نقطه قوتی برای امنیت سیاسی اجتماعی کشور محسوب می‌شود. که این نقش توسط گفتمان‌های متنوع در بستر حاکمیت سیاسی کشور به نحوی مثبت دنبال می‌شود.

مشارکت بسیج‌گونه و احساسی همراه با هیجانات و احساس مسئولیت منطقه‌ای و در نهایت کشوری و ملی در قالب مشارکت‌های حداکثری نتیجه‌ی نمود گفتمان‌های سیاسی در عرصه‌های متفاوت است. مشارک همه‌جانبه‌ی ملت محصول شرایطی است که در سایه آرمانگرایی و مطالبات خواهی گفتمان‌های سیاسی. نظام در سایه وحدت کلان همه نیروها و جمعیت‌های متعدد کشور تبلور پیدا میکند و این مشارکت در طول چند دهه نظام، و توسعه گفتمان‌های سیاسی و در هر دهه با گفتمان متناسب با شرایط زمانی استمرار پیدا کرده و این استمرار حیات سیاسی نظام را تقویت و باعث ایجاد مشارکت قابل کنترل و قابل حصول در جامعه شده است. مشارکت گفتمان‌های سیاسی در عرصه‌های متفاوت، به همراه گروه‌های اجتماعی از جمله مشارکت جمعیت‌های گوناگون در جغرافیای سیاسی ایران در صحنه‌های متفاوت به نقطه قوتی در حیات سیاسی کشور تبدیل شده است که این نتیجه‌ی حضور گفتمان‌های متنوع در عرصه فعالیت‌های کشوریست که در پی آن پیگیری مطالبات ملی منطقه‌ای و مردم در فراینده این مشارکت‌های حداکثری و جدی ممکن‌الوصول خواهد شد. توفیق اجرایی شدن شعارها و اهداف سراسری و فراگیر توسط گفتمان‌های سیاسی در تحقق جامعه مردم‌سالاری دینی و تبلور نظام شهروندی از نتایج حضور گفتمان‌ها و مشارکت مردم ایرانیست. این مشارکت روز افزون ضمن پیوند ملی مردم و پیوندادن مطالبات محلی به مطالبات ملی و اجرایی شدن آنها با پیگیری حد واسط آنها یعنی گفتمان‌های سیاسی به کارکرد‌های نظام و مشارکت جدی‌تر تبدیل می‌شود. لذا گفتمان‌ها باعث مشارکت جمعیت‌ها به دلیل پیوندشان در بیان مطالبات شده است.

مختصر قابل بیان است که در هر دهه ای از نظام هرگفتمانی باشعاری به بیان و پیگیری مطالبات مردم پرداخت که نتیجه آن منجر به مشارکت سیاسی اجتماعی مردم گردید که ذیلاً بیان می شود. ۱- در دوره گفتمان اسلام گرایی این گفتمان با بهره گیری از دال اسلام خواهی از مردم در جمهوریت و مشارکت سیاسی بهره برد. ۲- در دوره گفتمان دفاع مقدس با توجه به ضرورت دفاع از کشور و وطن دوستی و حفظ نظام گفتمان مذکور از دال غیرت ملی و ضرورت دفاع به جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم افزود. ۳- در دوره گفتمان راست سستی با بهره گیری از بسط دال عدالت اجتماعی و حفظ ارزش های سستی و هنجار های مورد قبول مردم سعی در تجلی جمهوریت و مشارکت سیاسی اقوام نمود. ۴- در زمان گفتمان چپ سستی با گسترش دال دفاع از مستضعفین و برابری فرصت ها و ترویج یارانه سعی نمود که جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم را گسترش دهد. ۵- در برهه گفتمان چپ مدرن با بهره گیری از دال روشن فکری گسترش نهاد های مدنی و احزاب و جمهوریت خواهی و نقد و نقد پذیری به مشارکت سیاسی مردم بها داده و ان را تقویت و بر مشارکت آنها افزود. ۶- در دوره گفتمان سازندگی با بهره گیری از لزوم بازسازی کشور و تاکید بر دال تخصص و توسعه اقتصاد محور و ترویج رفاه عمومی با مشی تسامح و تساهل باعث انگیزه مشارکت سیاسی و تجلی جمهوریت مردم شوند. ۷- در دهه سوم نظام گفتمان اصلاحات با ترویج دال های آزادی، مشارکت مردم، انفتاح فضای باز سیاسی، تشکیل شوراها و جامعه مدنی حضور مردم را در مشارکت سیاسی و جمهوریت نظام تقویت کند. ۸- در این زمان گفتمان اصول گرایی با توجه به دال های ارزشی، انقلابی، عدالت محوری، رفع محرومیت ها و تبعیضها و توزیع عادلانه منابع، مهر ورزی، خدمت گذاری بی منت در جمهوریت و مشارکت سیاسی مردم در صحنه های متفاوت بیافزاید

## کتابنامه

آقابخشی علی، افشاری راد مینو (۱۳۷۶) فرهنگ و علوم سیاسی، تهران چابار  
بشیریه حسین (۱۳۸۲) دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلام  
تهران: موسسه نگا

بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی،  
بزرگی، مهدی، کار ویژه های مشارکت سیاسی، راه مردم، ۲/ ۸۴/۲

## گفتمان‌های سیاسی و نقش آن‌ها در ... (بهرام ستاری دستنایی و دیگران) ۱۱۷

بابی سعید (۱۳۸۶) ظهور اسلام گرای، تهران انتشارات دانشگاه تهران  
تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳) گفتمان، پادگفتمان و سیاست. تهران، موسسه تحقیقات و توسعه  
علوم انسانی

تاجیک محمد رضا، (۱۳۷۹) گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، فرهنگ گفتمان،  
جاسبی، عبدالله، (۱۳۷۹) تشکل فراگیر: مروری بر یک دهه فعالیت حزب جمهوری اسلامی،  
جلد اول، تهران، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم، انتشارات دانشگاه مفید  
حسینی زاده محمدعلی نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸ (۱۳۸۳).

حسینی زاده، محمدعلی، (۱۳۷۷) «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، علوم سیاسی، ش ۸۲.  
خمینی ره، روح الله صحیفه نور، (۱۳۷۸) ۲۲ جلدی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی  
دارابی، علی، (۱۳۸۸) جریان‌شناسی سیاسی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی  
دارابی علی، انتخاب هشتم، (۱۳۸۱) (تحلیلی بر هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری)،  
تهران، سیاست

دارابی، علی، (۱۳۹۵) جریان‌شناسی سیاسی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی  
دارابی علی، کارگزاران سازندگی از فراز تا فرود، (۱۳۸۱) تهران، نشر سیاست  
دارابی علی، سیاستمداران اهل فیضیه (۱۳۸۲) (بررسی پیشینه و نقد عملکرد جامعه روحانیت مبارز  
تهران)، تهران، نشر سیاست

دیوید مارش و جری استوکر (۱۳۹۳) روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمدحاجی یوسفی،  
پژوهشکده مطالعات راهبردی دیوید هوارث، نظریه گفتمان، فصلنامه علوم سیاسی، ترجمه  
سیدعلی اصغر سلطانی، ش ۲ (سال ۱۳۷۷)

سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۱) تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش علوم سیاسی ش ۸۲  
سخن‌گوی حزب در گفت‌وگو با رسانه‌های مختلف از جمله سایت آفتاب  
ظریفی‌نیا، حمیدرضا، (۱۳۷۸) کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران، تهران، انتشارات آزادی اندیشه،  
فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران،  
تهران ارشاد اسلامی

مک‌دانل، (۱۳۸۰) مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، ترجمه نوذری، تهران، فرهنگ گفتمان  
مظفری، آیت، (۱۳۸۸) جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی

۱۱۸ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱

نظری اشرف، سازمندعلی، گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران (۱۳۸۷)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

مرعشی ۱۳۸۴/۳/۱۸ و حسینی سیدعلی مقاله ۱۳۸۷

مباحثه‌ای با حسین مرعشی، نشریه‌ی ذکر. و- پایگاه خبری تحلیلی سپهر.

همشهری، جلوه‌های مشارکت سیاسی در جوامع توسعه یافته، ۱۸ و ۱۹/۱۳۷۸

-www.aftabnews.ir/vbcfytdwjdytth-

پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری بیانات

۸۵/۳/۲۹، ۱۹/۳/۲۹، ۲۳/۲/۸۵، ۱۲/۲/۸۴، ۱/۸/۷۹، ۷۲/۱/۷۲ - ۸۵/۶/۶